



## پیامبر اعظم در قرآن

محمد ظاهر اکبری

هر چند بیان ابعاد گوناگون شخصیت پیامبر اسلام از نظر قرآن در یک مقاله مختصر ممکن نیست ولی به برخی از اوصاف حضرت اشاره می‌کنیم.

قرآن کریم پیامبر اسلام را با دو دسته صفات معرفی می‌کند: یکی اوصافی که ویژه‌ی آن حضرت و بیانگر برتری‌اش بر سایر انبیا می‌باشد، دیگری اوصافی که مشترک همه انبیاء و آن حضرت است.

### الف) ویژگی‌های برتر پیامبر

از نظر قرآن کریم پیامبر اسلام دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که در سایر پیامبران وجود نداشته است و این خصوصیات

بحث و اظهار نظر پیرامون شخصیت کامل پیامبر اسلام بسیار دشوار است. چرا که او الگوی انسان کامل بوده است. شخصیتی که به مرحله «قاب قوسین او ادنی رسید» و به جایی قدم گذاشت که هیچ ملکی مقرب حتی جبرئیل امین نتوانست گام بگذارد. در یک کلام شناخت حقیقی پیامبر، برای انسان‌های معمولی مقدور نیست. چنان که خود در حدیثی فرمود: «یا علی خدا را آنگونه که باید کسی شناخت جز من و تو، حقیقت تو را کسی شناخت جز من و خدا و مرا کس شناخت جز تو و خدا.» در عین حال، قرآن کریم پیامبر اعظم با اوصافی که برای ما قابل درک و شناخت باشد، معرفی می‌کند.

سؤال کردند به سوی چه کسی؟ به سوی عرب یا عجم یا...؟ خداوند آیه فوق را نازل کرد و باصراحت رسالت پیامبر (ص) را به تمام جهانیان بیان نمود.<sup>۲</sup>

در سال هفتم هجرت پیامبر (ص) با ارسال نامه‌هایی به امرا و سلاطین مناطق مختلف رسالت جهانی و اسلام را اعلام داشت. از جمله در نامه‌ای که به کسری بزرگ ایران فرستاد چنین آمده: "از محمد، فرستاده خداوند به کسری بزرگ ایران؛ درود بر آنکس که حقیقت جوید: و به خدا و پیامبر او ایمان آورد: و گواهی دهد که جز او خدائی نیست و شریک و همتایی ندارد و معتقد باشد که محمد بنده و پیامبر اوست. من به فرمان خداوند تو را به سوی او می‌خوانم او مرا برای هدایت همه مردم فرستاده است تا همه مردم را از خشم او بترسانم و حجت را بر کافران تمام کنم..." در این نامه با جمله "او مرا برای هدایت همه مردم فرستاده است" رسالت جهانی خود را رسماً اعلام داشته است.

#### ۲- خاتم النبیین

با آمدن پیامبر اسلام، نبوت و رسالت

الهی خاتمه یافت.

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» "محمد (ص) پدر احدی از مردان فعلی

سبب برتری آن حضرت بر پیامبران دیگر می‌باشد

#### ۱- رسالت جهانی

شک نیست که از نظر قرآن کریم رسولان الهی بعضی بر بعضی دیگر فضیلت و برتری داشته است چنانچه می‌فرماید: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضُهُمْ دَرَجَاتٍ». (بقره، ۲/۲۵۳)

رسالت پیامبرانی که قبل از پیامبر اسلام (ص) و از نظر جغرافیایی و زمانی محدود بوده است ولی رسالت پیامبر اسلام جهانی است و اختصاص به قوم و زمان خاص ندارد.

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...» (اعراف، ۱۵۸/۷) " (ای پیامبر) بگو: ای مردم من فرستاده خدای یکتا به سوی همه شمایم..." (ترجمه: تفسیر المیزان).

در این آیه خداوند به پیغمبر اسلام دستور می‌دهد تا نبوت خود را به همه جهانیان اعلام نماید و بدون اینکه آنرا مخصوص قومی کند<sup>۱</sup>

در روایتی از امام حسن مجتبی (ع) چنین آمده: عده‌ای از یهود نزد پیامبر (ص) آمدند و گفتند: ای محمد تویی که گمان می‌بری فرستاده خدائی و همانند موسی (ع) بر تو وحی فرستاده می‌شود؟ پیامبر (ص) کمی سکوت کرد، سپس فرمود: آری منم سید فرزندان آدم و به این افتخار نمی‌کنم، من خاتم پیامبران و پیشوای مبرک‌کاران و فرستاده پروردگار جهانیانم. آنها

است که خداوند به پیامبر اعظم اسلام (ص) عنایت فرموده است.

### خاتمیت در روایات

در روایتی از امام صادق چنین آمده « **قَالَ (ع) حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ** »<sup>۵</sup> «حلال محمد (ص) حلال است همیشه تا قیامت و حرام او حرام است همیشه تا روز قیامت، غیر آن نخواهد بود، و غیر آن نمی آید».

در حدیثی نبوی معروف به منزلت پیامبر (ص) چنین فرمود: « **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلَيَّ مِنْ مَنِّي كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى إِذَا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي** »<sup>۶</sup> «ای مردم! علی نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی است جز آنکه بعد از من نبی و پیامبری نیست». در حدیث نبوی دیگر آمده: « **إِنَّ الرِّسَالَةَ وَالنَّبُوَّةَ قَدْ انْقَطَعَتْ فَلَا رَسُولَ بَعْدِي وَلَا نَبِيَّ** »<sup>۷</sup> «به درستی که رسالت و نبوت منقطع شده است نه رسولی بعد از من خواهد آمد و نه نبی»

### ۳- بشارت کتب پیشین

یکی دیگر از شاخصه های برتری و امتیاز پیامبر اسلام بر پیامبران پیشین اینست که در کتب انبیاء قبل، بشارت به آمدن پیامبر اسلام داده شده است، قرآن کریم در این مورد می فرماید: « **وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ**

شما نیست بلکه فرستاده خدا و خاتم پیغمبران است... » (ترجمه از تفسیر المیزان)

ختم به معنای رسیدن به پایان چیزی است و اینکه مهر زدن بر چیزی را ختم می گویند نیز از همین بابست زیرا همیشه بعد از پایان دادن چیزی به آن مهر می نهند. (مکارم شیرازی، پیام قرآن ج ۸ ص ۴۰۳)

واژه خاتم به دو صورت خوانده شده است یکی با کسر تا (خاتم) که به معنای پایان و آخر هر چیزی است یعنی نبوت با آمدن پیامبر اسلام پایان یافته است. دیگری با فتح تا (خاتم)، به معنای مهری است که بر پایان مطالب نامه و یا بر روی پاکت نامه ها بعد از بستن آن می زنند؛ یعنی با آمدن پیامبر اسلام، مهر ختم بردفتر نبوت زده شد<sup>۳</sup> و اگر به انگشتر هم خاتم گفته می شود از آن جهت است که پیامبر اسلام، انگشتری برای خود ساخته بود که روی آن «محمد رسول الله» نوشته شده بود و حضرت با آن نامه های خود را مهر می کرد و لذا تا مدتها پس از آن قرآن، خاتم فقط به انگشترهایی می گفتند که به عنوان مهر بستن نامه ها استفاده می شد.<sup>۴</sup>

خاتمیت پیامبر بی ارتباط با رسالت جهانی و آئین جاودانی آن حضرت نیست، زیرا ختم نبوت بیانگر این حقیقت است که رسالت آن حضرت جاودانی و جهانی است و کس دیگری را شایسته رسالت نیست و این امتیازی بزرگ

و بارهای سنگین، و زنجیر هایی را که بر آنها بود، (ازدوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که باو ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.“ (ترجمه: مکارم شیرازی)

در این آیه خداوند بیان می کند که از آمدن پیامبر اسلام در تورات و انجیل با ذکر اوصاف آن حضرت خبر داده شده است.

قرائن نشان می دهد که این نشانه ها و اشاره ها در آغاز ظهور اسلام بیشتر از امروز در دسترس بوده است. به همین جهت قرآن مجید کراراً بر آنها تکیه نموده و یهود و نصاری را دعوت می کند که در آن نشانه ها دقت کنند و اگر چنین چیزی وجود نداشت ممکن نبود قرآن با این صراحت روی نشانه های فوق تکیه کند. ۹.

از امام صادق (ع) روایت شده که: یهود در کتابهای خویش دیده بودند هجرتگاه پیامبر اسلام بین کوه «عیر» و کوه «احد» خواهد بود. لذا از سرزمین خویش بیرون آمدند به جستجوی سرزمین مهاجرت رسول اکرم (ص) پرداختند، در این میان به کوهیبه نام «حداد» رسیدند گفتند «حداد» همان «احد» است در همانجا متفرق شدند و هر گروهی در جایی (۱۴۴۹) مسکن گزیدند بعضی در سرزمین «تیمما» و بعضی دیگر در «فدک» و عده ای در «خیبر». آنان که در «تیمما» بودند، به قصد دیدار برادران

إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (صف، ۷۶۱) ”به یاد آور هنگامی را که عیسی فرزند مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما و تصدیق کننده کتابی به نام تورات هستم و بشارت دهنده ام به آمدن رسول که پس از من می آید و نام او احمد است...“ (ترجمه از، تفسیر منشور جاوید)

در آیه دیگر برای روشن ساختن درستی دعوت پیامبر، در تورات و انجیل به بیان صفات و خصوصیات او پرداخته و از رسالت و نبوت او گزارش داده و از این طریق، راه را به روی منکران (یهود و مسیحیت) بسته است<sup>۸</sup>: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُهُمُ عَلَيْهُمُ الْحَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، ۱۵۷/۷). ”همانها که از فرستاده خدا، پیامبر امی پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش راه در تورات و انجیلی که نزد شان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد و نا پاکها را تحریم می کند؛

#### ۴- سبقت در اسلام

قرآن کریم در میان همه پیامبران، تنها پیامبر اسلام را به عنوان اول مسلمین معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَا شَرِيكَ لَكَ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام، ۱۶۳/۶)

به طور قطع این اول مسلمین بودن پیامبر اول بودن ذاتی است که از آن تعبیر به اولیت رتبی می‌شود نه زمانی؛ زیرا مسلم به معنای کسی است که در برابر فرمان خدا تسلیم است و این معنا در باره همه پیامبران الهی و امت‌های مؤمن آنها صدق می‌کند. پس اینکه در آیه فوق پیامبر (ص) به عنوان اولین مسلمان ذکر شده است یا از نظر کیفیت و اهمیت اسلام اوست، زیرا درجه تسلیم و اسلام پیامبر اسلام بالاتر از همگان بود و یا اولین فردی از این امت بود که آئین قرآن و اسلام را پذیرفت ۱۲. بر اساس بعضی از روایات: منظور نخستین کسی است که در عالم ارواح به دعوت پروردگار و سؤال او در زمینه الوهیتش پاسخ مثبت داد ۱۳. در هر صورت این یک امتیازی است که خداوند از میان همه پیامبران اش تنها پیامبر اسلام را به اولیت در تسلیم معرفی می‌کند.

#### ۵- مجرای رحمت الهی

گستره رحمت الهی سراسر عالم هستی را فراگرفته است، تجلی بیشتر رحمت و فیوضات خداوند از مجری و طریق پیامبر خاتم قرار داده

خوش روانه منزلگاه آنان گردید، و از مرد عربی که از آنجا عبور می‌کرد مرکبی کرایه کردند و مرد عرب گفت من شما را از میان کوه «عیر» و «احد» خواهم برد، به او گفتند هنگامی که بین این دو کوه رسیدی ما را آگاه نما. وقتی به سرزمین مدینه رسیدند مرد عرب با اشاره به کوه «عیر» و «احد» اعلام کرد که اینجا همان سرزمین است. یهودیان از مرکب پیاده شدند و گفتند: ما به مقصود رسیدیم و نامه به برادران خویش نوشتند که ما آن سرزمین را یافتیم شما هم به سوی ما کوچ کنید. ۱۰

بر اساس همین علائم و نشانه های که یهود از پیامبر اسلام در کتب خود خوانده بودند، هرگاه یهودیان مدینه از ناحیه دوقبیله اوس و خزرج مورد اذیت قرار می‌گرفتند به آنها می‌گفتند هنگامی که محمد (ص) مبعوث گردد شما را از سرزمین ما بیرون خواهد کرد. ولی هنگامی که محمد (ص) مبعوث شد دو قبیله اوس و خزرج ایمان آوردند اما یهودیان مدینه پیامبر را انکار نمودند ۱۱. قرآن کریم با اشاره به همین حقیقت می‌فرماید: «وَكَاثِبًا مِّن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (بقره، ۸۹/۲) " پیش از این جریان به خود نوید فتح می‌دادند هنگامی که نزد آنها آمد به او کافر شدند، لعنت خدا بر کافران باد.

نازل کردم تا مردم را از تاریکها به سوی نور خارج سازد و به اذن پروردگاریش راه (خداوند) عزیز و حمید رهنمون گردد. ولی بهره‌گیری از این هدایت نورانی اختصاص به پرهیزگاران دارد، لذا در آیه دیگری می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱/۲) «این کتاب است که شک در آن نیست و هدایت‌گر پرهیزگاران است»

اگر محیط جهل و فساد را که پیامبر در آن به رسالت برانگیخته شد، در نظر بگیریم و از وضع رقت بار آنان آگاهی داشته باشیم، بی‌می‌بریم که وجود پیامبر اسلام برای آنها نیز رحمت بوده است که از یک جامعه وحشی و پرفساد انسان‌های تربیت نمود که مبدأ تمدن درخشان اسلامی گردیدند.

برای بهتر روشن شدن رحمت بودن پیامبر به موارد از آن اشاره می‌نمایم:

**الف) قرآن کریم می‌فرماید:** «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال، ۳۳/۸) (ای پیامبر) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. (ترجمه: مکارم شیرازی)

۱۴۵۱

این آیه شریفه به صراحت بیان می‌دارد که وجود پیامبر، رحمت در بین مسلمین بوده است. همان طوری که استغفار واقع از گناهان

شده است. بر همین اساس خداوند پیامبر اسلام را به عنوان رحمت برای عالمیان مبعوث به رسالت نموده است. چنانچه می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷/۲۱) «ما تو را نفرستادیم مگر رحمت برای عالمیان».

پیامبر اسلام فرمود: «إِنَّمَا بَعَثْتُ رَحْمَةً رَبِّ أهد أمّی فإِنَّهم لَا یعلمون»<sup>۱۴</sup>

همه مردم اعم از مؤمن و کافر مرهون رحمت پیامبر اند زیرا او نشر آئینی راعهده دار گردید که سبب نجات همگان است. حال اگر کسانی استفاده از این مجرای الهی بهره نبرند. مربوط به خود شان است و تأثیر بر عمومی بودن رحمت نمی‌گذارد.<sup>۱۵</sup> به بیان دیگر پیامبر به عنوان رحمت الهی برای همه مردم مبعوث به رسالت شده است و لی استفاده از این مجرای فیض و رحمت زمینه می‌خواهد که مؤمنین با اطاعت از پیامبر این زمینه را در خود به وجود می‌آورند و از فیض این خورشید رحمت بهره مند می‌گردند/ ولی کافران بالجاست در برابر پیامبر و مخالف با دستوراتش زمینه استفاده از آن را در خود نابود ساخته اند. همچنانکه قرآن کریم نیز به عنوان رحمت و هدایت همه مردم نازل شده است که می‌فرماید: «كِتَابٌ أُنزِلْنَا إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱/۱۴) «قرآن را بر تو

پیامبر  
کند  
تا اوّلپیامبر  
لیت

عن

است

تهای

فوق

شده

ست،

الاتر از

ود که

ساد

است

وأل او

۱۳. در

اوند از

م را به

ستی را

وضات

رار داده

عامل نجات جامعه از عذاب های الهی می باشد.

(ب) در طول دوران رسالت پیامبر که جنگ های متعددی بین یاران پیامبر و مخالفین رخ داده است، در هیچ تاریخی دیده نشده است که پیامبر (ص) حتی برای یک بار با شمشیر بر دشمنان حمله کرده باشد چون او رحمه للعالمین است. لذا با تبلیغ و ارشاد با آنها سخن گفته است نه با شمشیر. و اگر در مواردی نادر مثل جنگ احد مجبور به استفاده از نیزه و یا تیر و کمان بوده است صرف به خاطر حفظ جان و دفع دشمن از خود بوده است و اادر مواردی جنگ و دفاع که شمشیر هم لازم بوده است، این وظیفه را وصی برحق او علی (ع) انجام داده است که با فداکاری و دفاع از آئین محمد (ص) دشمنان لجوج و کینه توز را با شمشیر دفع می نمود. بنابراین با دقت در تاریخ پی می بریم که در گسترش دین پیامبر (ص) سه عامل نقش داشته است. یکی راهنمایی و ارشاد خود پیامبر همراه با اخلاق و صداقت آن حضرت، دوم ثروت و دارایی خدیجه همسر با وفای آن حضرت که به پیامبر و یاران محدود اش در موقع لازم یاری رساند. سوم ایشار و فداکاری حضرت علی (ع) در دفاع از مکتب وحی. ایثار آن حضرت در جنگ های احد، خندق، حنین و... بیانگر این حقیقت است.

(ج) اگر در تاریخ انبیا دقت کنیم، حضرت نوح

۱۴۵۲

بر آنها نفرین کردند. ولی پیامبر اسلام هرگز لب به نفرین باز نکرد بلکه همیشه برای هدایت آنها دعا می کرد. در جنگ احد که صورت حضرت مجروح گردیده و خون از پیشانی مبارک جاری بود فرمود: «اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون» ۱۶ "پروردگارا قوم مرا هدایت کن که آنان جاهل اند." و آنچنان دلسوزانه عمل می کرد که نزدیک بود جانش را از دست بدهد که قرآن کریم می فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۷) "گویا می خواهی خود را از غم و اندوه به خاطر عدم ایمان آنها به این قرآن هلاک کنی"

چنین حالتی جز از کسی که مجرای فیض و رحمت الهی است، انتظار نمی رود. هم چنین از قاتل حمزه عمویش گذشت، و نیز در روز فتح مکه به جای انتقام از کسانی مانند ابوسفیان، هند جگر خوار و... که او را اذیت نموده و مصیبت هایی را بر اسلام و مسلمانان تحمیل کرده بودند همه را مورد عفو قرارداد و فرمود: «اذهبوا انتم طلقا»

(د) در روایات زیادی وارد شده است که اگر کسی بخواهد دعای شان به اجابت رسد و از فیوضات باری تعالی بهره مند گردد پیامبر و اهل بیت او را واسطه قرار دهد چنانچه امام علی (ع) می فرماید: «وَقَالَ (ع) إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ





حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (النحل، ۱۶/۳۷). ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتارا پرستید و از طاغوت اجتناب کنید، خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت، پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود. (تفسیر مکارم شیرازی).

درسایه گرایش به توحید اهداف دیگری رسالت از قبیل وحدت اجتماعی، برپایی قسط و عدالت و... بهتر تحقق می یابد.

پیامبر اسلام در هدایت مردم و تحقق هدف رسالت اش آن چنان علاقه مند و دلسوز بوده است که قرآن کریم از این دلسوزی قابل تحسین چنین یاد می کند «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۱۸/۶)

"گویا می خواهی خود را از غم و اندوه به خاطر عدم ایمان آنها به این قرآن هلاک کنی". و شبیه این بیان در سوره شعراء نیز آمده که می گوید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَنْ لَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» گویی می خواهی از شدت اندوه به

خاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند، جان خود را از دست دهی". در آیه دیگر می فرماید: «فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (فاطر، ۸۳/۵) "پس جانست به خاطر

قریش با شنیدن آیات چند از قرآن مجید تحت تأثیر قرار گرفت و قریش در باره او گمان بردند که به دین پیامبر گرایش پیدا نموده است، او با شنیدن آن نزد قریش آمد و گفت: "...آیا فکر می کنید او دروغگوست؟ آیا هرگز سابقه دروغی در باره او دارید؟ گفتند: نه، او نزد ما همیشه به عنوان «صادق امین» قبل از ادعای نبوتش شناخته شده، در نتیجه به قریش گفت: او فقط مرد ساحری است." ۲۲

از این سخنان روشن می شود که در تمام دوران زندگی پیامبر آنها حتی یک کلمه دروغ هم از پیامبر نشنیده بودند.

**قرآن و صداقت پیامبر:** قرآن کریم صداقت پیامبر را به عالی ترین وصف ممکن بیان می کند و می فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (النجم، ۵۳/۴-۵) "و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید، و آنچه می گوید وحی الهی است". قرآن کریم با این بیان صداقت پیامبر را ثابت و هر نوع احتمال کذب و حتی اشتباه در کلام پیامبر را نفی می کند.

## ۲- علاقه و دلسوزی به هدف

هدف از رسالت پیامبران الهی دعوت و راهنمایی مردم به خدا پرستی و دوری از گرایش های طاغوتی است که می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ

در آغاز بعثت، پیامبر را از مسئولیت خطیرش آگاه ساخته و فرمود: **إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا** (مزل، ۵/۷۳) "ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد" و این قول سنگین همان رسالت جهانی او است که اداء آن بر او و عمل بر آن بر رهروان او سنگین می باشد.<sup>۲۳</sup>

پیامبر اسلام آن چنان سختی ها را در راه انجام رسالت اش تحمل نمود که خداوند او را دلداری داده و به صبر و استقامت دعوت نمود: **وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ** (طور، ۴۸/۵۲) "در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری" در جایی دیگر فرمود **«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»** "صبر کن، و صبر توفیق برای خدا و به توفیق خدا باشد،". و هنگامی که با سخنان بیهوده از قبیل ساحر، کاهن و ... مورد اذیت روحی قرار گرفت باز خداوند با امر به صبر او را دلداری داده و فرمود: **«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ»** (ق، ۳۹/۵۰) "در برابر آنچه آنها می گویند شکیبا باش". (ترجمه: مکارم شیرازی)

رمز موفقیت هر فرد در گرو دو چیز است یکی ایمان به هدف، دوم استقامت در راه هدف بسیار ی از هبران که در وسط راه در اثر عوامل مختلف هم چون تطمیع، تهدید و ... دست از هدف خود برداشته و یا برمی داند. به آن جهت است که یا از اول دنبال ریاست و منافع شخصی بوده اند و آنچه را

سخت تأسّف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به آنچه انجام می دهند داناست".

### ۳- صبر و استقامت در راه هدف

شیوه زندگی دنیا به نحوی طراحی گردیده است که هر چیزی با اسباب خودش و در زمان خودش به وجود می آید. بنابراین برای تحقق تمام مسائل این عالم صبر و استقامت لازم است. اگر کسی در راه تحصیل علم صبر و استقامت نداشته باشد از کجا عالم خواهد شد؟ اگر کشاورز صبر و تحمل نداشته باشد چگونه محصول برداشت خواهد کرد. به قول سنائی غزنوی:

سالها باید که یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

سالها باید که تا یک کودکی از رویطبع

عالمی گردد نیکو یا شاعر شیرین سخن

از طرفی شیوه خلقت عالم بر این است که انسان هر چه مقرب درگاه حق باشد گرفتاری های او در دنیا روی حکمت های الهی است. به همین دلیل مؤمنین به صبر و استقامت بیشتر از سایر انسانها نیاز مند است.

بر این اساس پیامبر اسلام که افضل همه انبیاء است و مسئولیت او از حیث تبلیغ رسالت جهانی و عهده دار بودن رهبری انسانها تا دامنه الهامت، بیشتر از همه انبیاء است و صبر و استقامت بیشتر را هم نیازمند است. قرآن کریم

حق است، در مقابل، کسی را که خدا گمراه کند سینه او را تنگ می گرداند و ظرفیت فراگیری حق در او از بین می رود نتیجه اش

خود داری کردن از پذیرش حق است. شرح صدر از مواهب بزرگ الهی است لذا خداوند به پیامبرش می فرماید: «الم نشرح لك صدرك» (انشراح، ۱/۹۴) آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم؟ یعنی شرح صدر از نعمت های بزرگ الهی است که

خداوند به رسولش داده و با یادآوری آن، پیامبرش را متوجه عظمت این نعمت می سازد. در حدیث شریف آمده است که از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) از معنای شرح صدر سؤال شد، حضرت فرمود: «نور یقذفه الله فی قلب من یشاء فینشرح له صدره و ینفسح» نوری است که خدا در قلب هر کس بخواهد می افکند و در پرتو آن، روح او وسیع و گشاده می شود، پرسیدند آیا نشانه ای دارد که با آن شناخته شود؟ فرمود: آری نشانه اش توجه به سرای جاویدان و دامن برچیدن

به عنوان هدف مطرح می کردند وسیله ای برای رسیدن به منافع شخصی بوده است.

اما پیامبر اسلام آنچنان ایمان به هدف اش

که همان هدایت مردم به سوی خدا بوده است داشته است که هیچ مسأله ای نتوانست کوچک ترین خللی در انجام رسالتش ایجاد نماید، در برابر پیشنهادات و تهدیدات قریش فرمود: "به خدا

سوگند: هرگاه آفتاب را در دست راست من، و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی سلطنت تمام عالم ار در اختیار من بگذارند) که از تبلیغ آئین و تعقیب هدف خود دست بردارم، هرگز حاضر نمی شوم و دست بر نمی دارم و هدف خود را تعقیب می کنم تا بر مشکلات پیروز آیم و به مقصد نهائبرسم، و یا در طریق هدف جان بسپارم"<sup>۲۴</sup>

۴ - شرح صدر

شرح صدر به معنای بلندی فکر و گسترش افق عقل انسان، وسعت و ظرفیت داشتن روح، در فراگیری علم و پذیرش دین

بر اساس روایات، خداوند توبه آدم را به واسطه پیغمبر، علی، فاطمه، حسن و حسین پذیرفت، و به خاطر همین اسماء بود که بینایی یعقوب را برگرداند، یوسف را از چاه و کشتی نوح را از غرق شدن نجات بخشیده و بر کوه جودی قرار داد و آتش را بر ابراهیم سرد و سالم گردانید.

۱۴۵۶

- مرگ پیش از آنکه مرگ فرا رسد.<sup>۲۵</sup>
- شرح صدر که خدا به پیامبرش عنایت فرمود: سینه او را برای پذیرش حقایق توسعه بخشید و تحمل او را در برابر مشکلات ناشی از تبلیغ رسالت بیشتر ساخت.
- نتیجه: از نظر قرآن کریم پیامبر هم دارای صفات مختص به خودش است که سایر انبیاء به آن صفات توصیف نشده اند در این دسته صفات پیامبر اسلام به عنوان خاتم پیامبران، داشتن رسالت جهانی، مجرای فیض و رحمت الهی و... معرفی گردیده است. و هم چنین دارای صفات مشترک بین همه انبیاء است و در این قسمت از صداقت، اخلاص، شرح صدر، اخلاق و سایر صفات حسنه پیامبر سخن می‌گویند: و آنچه را که قرآن در نظر دارد اینست که با معرفی این صفات، پیروان آن حضرت را به سوی صفات نیک و اخلاق نیکو رهنمون سازد تا در پرتو تبعیت از صفات پیامبر، مسلمانان در زندگی فردی و اجتماعی به سوی کمال نهائی که فلسفه آفرینش جهان و انسان است پیش بروند.
- 
۱. سید محمد حسین، طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۸ ص ۴۱۶ برگردان محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری: مرکز نشر فرهنگی رجاء
۲. ناصر مکارم، شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۴۰۵، ۴۰۶ و انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰.
۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن ج ۸ ص ۴۰۳
۴. پیام قرآن، همان ص ۴۰۶، ۴۰۷
۵. محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۱ ص ۵ حدیث ۱۹ باب البدع و الرأی و المقایس... ۸ جلدی، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵
۶. الکافی، همان، ج ۸ ص ۲۵
۷. پیام قرآن، همان، ص ۴۱۷ به نقل از سنن ترمذی، جلد ۳ ص ۳۶۴
۸. جعفر سبحانی، منشور جاوید قرآن ج ۶ ص ۱۳، نشر دفتر انتشارات اسلامی چاپ اول ۱۳۶۷.
۹. پیام قرآن همان ص ۳۷۷.
۱۰. تفسیر نمونه، همان ج ۱ ص ۳۴۳، ۳۴۲
۱۱. تفسیر نمونه، همان ص ۳۴۴.
۱۲. تفسیر نمونه، همان، ج ۶ ص ۶۲.
۱۳. همان ص ۶۲. به نقل از تفسیر صافی ذیل آیه.
۱۴. محمد باقر، مجلس، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۷۷ باب ۳ نشر مؤسسه الوفاء بیروت. لبنان، ۱۴۰۴ هجری قمری
۱۵. تفسیر نمونه، همان، ج ۱۳ ص ۵۲۶
۱۶. محمد باقر، مجلس، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۷۷ باب ۳ مؤسسه الوفاء بیروت. لبنان، ۱۴۰۴ هجری قمری
۱۷. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱.
۱۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه و مسائل الشیعه ج ۷ ص ۱۰۰ باب ۳۷.
۱۹. ناصر مکارم، شیرازی، زندگی در پرتو اخلاق ص ۱۰۰، ۱۰۱. قطع جیبی، چاپ مدرسه امام امیر المؤمنین نشر انتشارات نسل جوان.
۲۰. بحار الانوار همان، ج ۶۹، ص ۲۶۳، باب ۱۱۴.
۲۱. پیام قرآن همان ج ۷ ص ۵۸
۲۲. فتح الله کاشانی □ تفسیر عمومی خلاصه المنهج ص ۲۲۷ نشر کتابفروشی اسلام ۱۳۷۴.
۲۳. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج ۶ ص ۲۴۸.
۲۴. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱ ص ۲۲۲. قطع جیبی
۲۵. تفسیر نمونه ج ۵ ص ۴۲۶.

۱۴۵۷